

# نقش بنی کعب در اقتصاد سواحل خوزستان (۱۸۹۰ تا ۱۹۱۴ م.)

ناصر بو عذار<sup>۱</sup>  
علی بحرانی پور<sup>۲</sup>  
بهادر قییم<sup>۳</sup>  
سید صادق موسوی بصیر<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۰۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۱۸

## چکیده

انواع محصولات کشاورزی و صنایع دستی در دوره مورد بررسی این مقاله از طریق بنادر خوزستان به کشورهای عربی، هند، قاره اروپا و آمریکا رونق چشمگیری داشت.

## کلیدواژه

خوزستان؛ بنی کعب؛ کشاورزی؛ صنایع دستی؛ فعالیت اقتصادی.

## مقدمه

تاریخ محلی، علمی است که به وسیله آن می توان رویدادها و پژوهش های تاریخی یک منطقه را بازشناسی و بازگو کرد. بخش عظیمی از پژوهش های تاریخی یک منطقه در تاریخ محلی آن نهفته است که با مطالعه آن می توان به ویژگی های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی، به عنوان سند اعتبار و گنجینه هویت یک ملت پی برد. با مطالعه و بررسی تاریخ محلی خوزستان، بدون تردید می توان گفت این استان به عنوان شاهراه اصلی بازرگانی و صادرات محصولات کشاورزی داخلی و خارجی به شمار

خوزستان از جمله قدیمی ترین مراکز پیدایش تمدن بشری است که در عرصه انواع محصولات کشاورزی و تجاری دارای جایگاه ممتازی است. یکی از قبایل تأثیرگذار در این سواحل بنی کعب بود. مهاجرت آنها از قبان به سواحل خوزستان موجب گسترش و رونق محصولات کشاورزی و ایجاد بسترهای مناسب بازرگانی و اقتصادی در این سواحل شد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی موقعیت جغرافیایی خوزستان، تاریخچه فعالیت اقتصادی و بازرگانی بنی کعب در سواحل خوزستان و نقش بنی کعب در اقتصاد سواحل خوزستان می پردازد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که با توجه به تسلط و نفوذی که قبیله بنی کعب در حوضه خلیج فارس و رود کارون داشتند، تجارت و صادرات

۱. کارشناسی ارشد تاریخ مطالعات خلیج فارس دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول). nboazar369@gmail.com
۲. دانشیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز. bahranipour@hotmail.com
۳. دانشیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز. ghayem.b@scu.ac.ir
۴. کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه شهید چمران اهواز. seyedsadegh9797@gmail.com

خوزستان، بررسی و پژوهش روشنگرانه‌ای انجام نگرفته و تحقیق جامعی در این زمینه منتشر نشده است و آنچه در منابع فوق‌الذکر وجود دارد اطلاعات پراکنده و ناقصی را ارائه می‌دهند. پژوهش حاضر با گردآوری اطلاعات از منابع محدود موجود در این زمینه، در ابتدا به طور اجمال به مرور موقعیت جغرافیایی خوزستان و تاریخچه حضور بنی کعب در سواحل آن پرداخته و سپس به بررسی و تحلیل نقش بنی کعب در اقتصاد سواحل خوزستان می‌پردازد.

### موقعیت جغرافیایی خوزستان

استان خوزستان<sup>۱</sup> در جنوب غربی ایران (سیادت، ۱۳۷۴: ۹) از طرف مشرق به خاک فارس و عراق<sup>۲</sup> عجم (ماد قدیم)، از سمت شمال به کردستان (آشور سابق)، از جانب مغرب به عراق عرب (بابل) و از جنوب به خلیج فارس محدود شده است (امام شوشتری، ۱۳۳۱: ۴). موقعیت استان از جهت طول ۵۷ درجه از مغرب و از جهت عرض ۳۲ درجه از جنوب می‌باشد. این موقعیت مناسب، مزیت مهمی را برای استان از نظر امکان تجارت و گسترش روابط بخصوص در اعصار اولیه تا حال حاضر فراهم کرده است. مساحت مرکز استان (اهواز)<sup>۳</sup> را هزار کیلومتر برآورد کرده‌اند که به سبب محیط‌های گوناگون جغرافیایی، طبیعی و ... به دو قسم تقسیم شده است؛

۱. منطقه شمالی که مناطقی از قبیل دزفول، شوشتر،

۱. واژه خوزستان به معنای کشور خوزها است و خوز را به صورت‌های هوز و حوز نیز بکار برده‌اند (لسترینج، ۱۳۸۶: ۲۵۰).
۲. دو راه عمده از مسافت خوزستان تا عراق عنوان شده است؛ یکی از راه بصره و از آن به بغداد و دیگری به واسط و از آن منطقه به بغداد (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۳۰؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۹۳).
۳. اهواز از هوز گرفته شده و اصل آن حوز است. نام اهواز، عربی است و در دوره اسلامی نامگذاری شده ولی در فارسی به خوزستان معروف شده است. یاقوت حموی در معجم البلدان، احواز را از نواحی بغداد و در طرف دو نهر (دجله و فرات) واقع می‌داند. شهر اهواز به هرموز شهر (هرمز شهر) نیز معروف بوده است و در ابتدا سوق الاهواز بوده که این اسم در برخی تألیفات جغرافیایی و مخصوصاً بر روی سکه‌ها دیده می‌شود (کریم‌اللامی، ۱۹۸۵: ۱۵؛ یاقوت حموی، ۱۳۹۷: ۱ / ۱۱۷؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۴؛ بارتولد، ۱۳۰۸: ۲۴۵).

می‌رفت که از طریق بندر خرمشهر که عمده صادرات تجاری و اقتصادی خوزستان بود، به خارج صادر می‌شد. خوزستان به دلیل وضعیت مناسب رود کارون و انشعابات آن در این منطقه جایگاه مهم و تأثیرگذاری را در تاریخ دارا بوده است. به طوری که عظمت خوزستان نه فقط به واسطه وجود زمین‌های کشاورزی حاصلخیز بلکه به دلیل داشتن رودخانه‌های مؤثر و متعددی مانند رود کارون است. وجود زمین‌های حاصلخیز و رودخانه‌های پر از آب مانند رودخانه کارون که از پر آب‌ترین رودخانه‌های ایران نیز محسوب می‌شود، آبیاری زمین‌های کشاورزی را به بهترین روش، ممکن ساخته بود. این امر باعث شد که بنی کعب به کار کشاورزی و آبادانی سواحل خوزستان بپردازند. بنی کعب یکی از با نفوذترین و بزرگترین عشایر سواحل خوزستان، در زمان شیخ سلمان از قبایل به این سواحل مهاجرت کردند. آنها با تسلط بر رودخانه کارون که به‌عنوان شریان اصلی و عمده تجاری و اقتصادی خوزستان محسوب می‌گشت؛ با گشایش راه کشتیرانی رود کارون در مسیرهای بازرگانی به مبادلات تجاری پرداختند. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی موقعیت جغرافیایی خوزستان، تاریخچه حضور بنی کعب در سواحل خوزستان و چگونگی فعالیت اقتصادی و بازرگانی آنها با استناد به منابع متعدد تاریخی پرداخته است. از این رو، پرسش پژوهش حاضر آن است که بنی کعب چه نقشی در اقتصاد سواحل خوزستان داشته است؟ در خصوص پیشینه پژوهش، از تحقیقات مربوط به این دوره می‌توان به کتاب «نگاهی به خوزستان» نوشته ایرج افشار سیستانی، کتاب «تاریخ خوزستان» اثر مصطفی انصاری و کتاب «تاریخ پانصد ساله خوزستان» از احمد کسروی اشاره کرد که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته است. درباره این پژوهش مقاله‌ای نیز از ناصر بوعدار و دکتر علی بحرانی پور و همکاران تحت عنوان «صادرات خرمای خوزستان به کشورهای حاشیه خلیج فارس در دوره بنی کعب» به صورت تخصصی درباره صادرات خرما تحقیق و پژوهش شده است اما تاکنون درباره نقش بنی کعب در اقتصاد سواحل

کعب در قبان و عبادان (آبادان) باقی ماندند که پس از آن به سوی محمره (خرمشهر) آمدند و به دو شاخه تقسیم شدند:

۱. کعب فلاحیه که از دودمان آلبنو ناصر (۱۱۰۲ - ۱۳۱۶ ه.ق) هستند که حکمرانی و فرمانروایشان تا چند قرن در دورق استمرار یافت.

۲. کعب محمره (خرمشهر) و عبادان (آبادان) که از عشیره‌های گوناگون کعب متشکل بودند و دودمان آلکوکاسب (۱۲۴۸ - ۱۳۴۴ ه.ق) در محمره (خرمشهر)، زمام رهبری را در دست گرفته بود که از قبیله محیسن شمرده می‌شدند (حلو، ۱۹۷۰: ۱۲-۱۳).

صاحب‌نظران درباره اصل و نسب بنی‌کعب خوزستان، با اظهار نظرهای مختلفی روبرو شده‌اند؛ به این معنا که صحت انتساب قبیله به طور قطع به عنوان یک قبیله عربی مشخص نیست. دلیل این پراکنده‌گویی، وجود اسامی و شخصیت‌های زیاد در تاریخ اعراب است؛ همانند کعب بنی‌غالب (۳۱۷ قبل از هجرت) که از اجداد پیامبر (ص) بوده و همین طور کعب بنی‌کلاب (۳۷۲م)، کعب بنی‌ربیع (کعب بن ربیع عدنانی) و کعب بنی‌صعصعه (از قبایل بزرگ عدنانی در نجد و شبه جزیره (صداوی، ۱۳۷۹: ۱۳). بعضی مورخان نیز در خصوص تاریخ مهاجرت بنی‌کعب به سرزمین عراق و اهواز اختلاف دارند که این اختلاف صرف‌نظر از تاریخ دست‌یابی به حاکمیت در قبان از دست قبیله صعقور در عهد افراسیاب پاشا دیریان بصره است (مانع، ۲۰۰۸: ۱۸۹). حقیقت امر آن است که پاره‌ای از منابع، با اختلاف نظر مورخان در خصوص اصل و نسب بنی‌کعب هم داستان هستند؛ وجه غالب نظرشان این است که این قبیله بیشتر به‌خاطر انتساب آنها به کعب بن غالب که یکی از اجداد پیامبر (ص) است و اسامی دیگر که در فوق به آنها اشاره گردید، می‌باشد. زرکلی در کتاب الاعلام نسب بنی‌کعب به کعب بن عامر (از فرزندان عامر بن صعصعه بن معاویه بن بکر بن هوازن از قبایل عدنانی) را صحیح دانسته و گفته است که دارای عظمت و منافع فراوانی بودند که تعداد زیادی در

عقیلی و رامهرمز را در بر می‌گیرد که ویژگی غالب این مناطق را محیط کوهستانی و ناهمواری تشکیل می‌دهد.

۲. منطقه جنوبی که مناطق اهواز، شادگان، هویزه، هندیجان، جراحی و خرمشهر را شامل می‌شود که وجود محیط هموار و بوته‌زارهای بیابانی، ویژگی غالب حاکم بر این مناطق است و در شهرهایی چون شادگان و ماهشهر، ناهمواری‌های خاکستری شکل دیده می‌شود (کریم‌اللامی، ۱۹۸۵: ۱۷-۱۹).

بر روی اجزای شمالی سرزمین خوزستان (نمایندگان بزرگ که از دو رودخانه کرخه و کارون دیدن می‌کردند) نام‌های گوناگونی اطلاق کرده‌اند. در کتاب «ماره کعب العربیه» در بیان نام خوزستان چنین آمده است:

«نزد یونان به یمایس و در نقوش میخکوب شده به ایلامتو، نام عیلام رایج بوده است، همان‌گونه که نام خوزستان شناخته شده و به خوز منتسب شده که آن نام قبیله‌ای است که در همین نواحی سکونت گزیده و اهالی فارس این نام را بر روی آن گذاشته‌اند. آب‌های جاری از اقسام جنوبی نیز در آن اعصار برکنار نبوده است؛ چرا که پدید آمدن خشکی در آنجا پیش از چند قرن میلادی به وقوع پیوسته است. اهالی فارس نام خوزستان را بر این سرزمین نهاده بودند که شامل همه نقاط سرزمین خوزستان نمی‌شد، از این حیث که از زمان وقوع خشکی در آنجا، جز برای اهالی اعراب که خوزستان را وطن خود می‌دانستند، همه اجزای سرزمین شناخته شده نبود» (نورس و رؤوف، ۱۹۸۲: ۱۳-۱۴).

**تاریخچه حضور بنی‌کعب در سواحل خوزستان**  
بنی‌کعب یکی از طوایف مشهور و در حکم حکومتی محلی بود که ابتدا در شهر قبان<sup>۱</sup> که «چعب» نیز خوانده می‌شد، می‌زیستند. جد آنها «کعب بن عامر بن صعصعه بن ربیع» از مصر است که به اعراب عدنانی منسوب می‌شود (لاریمر، ۱۳۹۰: ۱۹؛ حلو، ۱۹۷۰: ۱۴۴؛ سیادت، ۱۳۷۴: ۲۲۰). زمانی که بنی‌کعب در عهد شیخ سلمان بن سلطان از قبان به سوی دورق (فلاحیه) (۱۱۶۰ ه.ق / ۱۷۴۷ م.) مهاجرت کردند، سایر قبایل

۱. قبان، آبادی کوچکی بود در جنوب خوزستان، میان بندر معشور (ماهشهر) و دهانه رود بهمینشیر (فلور، ۱۳۹۲: ۲۳).

کعبیان از او اطاعت می کردند ولی پس از کشتن او، حکومت آنها گسترش یافت. شیخ سلمان بنی کعب از هندیجان در فارس تا آن طرف اروندرود را در اختیار گرفت. روستای فلاحیه (شادگان) را به شهر تبدیل و برج و بارو بر آن کشید و مرکز فرمانروایی خود قرار داد. این دوره را یکی از بهترین ایام حکومت بنی کعب در خوزستان خوانده اند (سرافرازی، ۱۳۹۳: ۲۹۸). مضاف بر این، از سال ۱۷۵۷ م. چند تهاجم از سوی کریم خان زند علیه بنی کعب اتفاق افتاد که غایت اصلی او، فرمان بردن آنان و مجبور کردن به پرداخت مالیات بود از جمله اختلافات کعب و عثمانی (۱۷۵۸-۱۷۶۳ م.)، حمله دوم کریم خان زند (۱۷۶۵ م.) که موجب فرار شیخ سلمان به شط العرب (اروندرود) و ویرانی دورق و سد سابله شد. حمله سوم انگلیس - عثمانی علیه کعب که موجب تجاوز قبیله بنی کعب به کشتی های انگلیسی شد (۱۷۶۵ م.) و حمله چهارم انگلیس - عثمانی علیه کعب (۱۷۶۶ م.) بود.

از میان این حملات، حمله کریم خان زند به دورق و ویرانی سد سابله، بسیار مورد توجه بوده و موجب بدنامی کریم خان زند در تاریخ شده است؛ از آنجا که آبیاری زمین های کشاورزی شهر قبان توسط سد سابله انجام می شد، خراب کردن آن به کشاورزان لطمه جدی وارد کرد. محصولات زیرکشت گوناگون در اراضی شهر قبان، موقعیت خوبی را برای توسعه اقتصادی در عهد شیخ سلمان فراهم کرده بود. بنابراین، کریم خان زند با خراب کردن این سد، ضربه اقتصادی جبرانناپذیری بر توسعه بیشتر وضعیت معیشتی ساکنان وارد کرد. چرا که این سد، سهم عمده ای در آبیاری زمین های کشاورزی شهر قبان داشت که به نظر می رسد تغییر مرکز کعب از قبان به فلاحیه بر اثر این حادثه و در این زمان بوده است (لاریمر، ۱۳۹۰: ۲۲-۲۷). در مجموع، مهاجرت قبایل بنی کعب را باید معلول عوامل اقتصادی و نظامی و سیاسی گوناگونی دانست که در عهد شیوخ این حکومت محلی رخ داده است؛ چنانکه این روند در عهد حکمای آلبوکاسب نیز استمرار داشت. در حقیقت، توجه

این قبیله حضور داشتند و آنگونه شهرتی داشتند که صرف نظر کردن از بحث درباره آن ما را کفایت می کند. ثانیاً در اینکه تاریخ مهاجرت بنی کعب به سرزمین عراق و اهواز با تردید مواجه شده است، از بررسی منابع مرتبط با این مسأله فهمیده می شود که اولاً بنی کعب در اواخر قرن یازدهم هجری / هفده میلادی، در ربع اول از همان قرن به سرزمین اهواز وارد شده که این مهاجرت همان گونه که گفته شد پس از مقرر حکومتی اولیه آنها در شهر قبان است (کریم اللامی، ۱۹۸۵: ۴۳-۴۴؛ لاریمر، ۱۳۹۰: ۱۹). اما در مورد تاریخ مهاجرت بنی کعب به عراق، به ایام فرمانروایی افراسیاب پاشا برمی گردد. از آنجا که افراسیاب به قبیله بنی کعب اعتماد داشت که به تعبیر مورخان «همراهان، دوستان و یارانش بودند» از این جهت، آنها را از سرزمین عراق به شهر قبان انتقال داد و خانه هایی در اختیار آنها گذاشت اما انگیزه این همه توجه افراسیاب به بنی کعب دو عامل بود:

۱. استقرار آنها در این ناحیه سرسبز که هم ساکن شوند و هم اینکه معیشت آبرومندی داشته باشند.
۲. آنها را بر سرحد بصره قرار دهد تا از حدود و ثغور مراقبت کنند که بدین سبب، دشمنان دیگر نتوانند به سرزمین عراق حمله ور شوند که بنی کعب به این دو امر وفادار بودند (حلو، ۱۹۷۰: ۱۴۶).

### نقش سیاسی و نظامی بنی کعب

بنی کعب به دلیل نقش های مهم سیاسی و نظامی برجسته ای که به نمایش گذاشت، به عنوان یکی از قدرت های بارز عربی در امتداد شهر اهواز و جنوب خلیج فارس به شمار می آمد. از ابتدای قرن ۱۲ ه.ق / ۱۸ م. گرایش بنی کعب به مسائل نظامی پدیدار شد و در عهد شیخ سلمان بن سلطان<sup>۱</sup> که از سال ۱۷۳۷ م. / ۱۱۵۰ ه.ق، حکمرانی را به دست گرفت، توسعه طلبی بنی کعب رو به افزایش رفت (نورس و رووف، ۱۹۸۲: ۲۸-۲۹). حقیقت آن است که در دوره نادرشاه افشار،

۱. شیخ سلمان کعبی یکی از حکام محلی خوزستان از سال های ۱۱۵ ه.ق تا ۱۱۷۸ ه.ق بود که بارها با انگلیسی ها نبرد کرد.

در عهد بنی کعب ناحیه بین محمره (خرمشهر) و رودخانه کارون تا رود هندیان (هندیجان) در سمت شرق در اختیار آنها بود. ثروت طبیعی این منطقه قابل توصیف نبود و از هر ناحیه‌ای با این وسعت در ایران بیشتر آب داشت. رودخانه‌های کارون و جراحی و هندیان (هندیجان) در اینجا جاری بود و کانال‌های متعددی نیز وجود داشت و برای انواع غله و حبوبات و دیگر محصولات مانند گندم، جو، ذرت، برنج، نیشکر، پنبه، خشخاش و نیل استعداد فراوان داشت. شیخ سلمان بر روی بسیاری از رودخانه‌ها سدهای زیادی ساخت و همچنین کانال‌های آبیاری زیادی احداث کرد، نخلستان‌های فراوانی در منطقه خوزستان کاشت و راه کشتیرانی و تجارت را در سرزمین خود گسترش داد و با مالی که از تجارت به دست می‌آورد باعث شد طوایف کعب را از نظر اقتصادی متحول سازد. در واقع شیخ سلمان شخصیت مهم و تأثیرگذار و برجسته‌ای بود. شهر دورق یا فلاحیه (شادگان)، مدیون بنیانگذار خاندان کعب (شیخ سلیمان) است. شهر دورق به خاطر خرماهای فراوانی که در آن محل بدست می‌آمد، شهرت داشت که محصول آن به استان‌های کشور و همین‌طور کشورهای عربی صادر می‌شد. شیخ ثامر از نواده‌ها و اعقاب نزدیک شیخ سلمان بود. بدون تردید شیخ ثامر برای بنی کعب عنصری فوق‌العاده بود که برای آبادی و رفاه قبایل کعب تلاش زیادی از خود نشان می‌داد؛ او در سایه امنیت کامل کشاورزی و تجارت بازرگانی را در همه خوزستان گسترش داد و نهرهای آبیاری را بازسازی و بسترهای لازم را در زمینه محصولات کشاورزی به سرانجام رساند. راه‌های بازرگانی را با ایجاد و تأمین امنیت از شر راهزنان در امان ساخت و محمره (خرمشهر) را به شکل بندری آباد و مؤثر در امر تجارت درآورد و فلاحیه (شادگان) به عنوان مرکز اصلی بازرگانی خوزستان درآمد. این شهر محل تلاقی صادرات کالاها و بازرگانی و تجارتی به دو شهر شوشتر و دزفول و دیگر مناطق خوزستان بود. با این توصیف ملاحظه می‌شود که به مقوله امنیت بیش از هر مسأله دیگر اهمیت داده می‌شد؛ زیرا در سایه امنیتی که حاکمان

امرای آلبوکاسب به محمره (خرمشهر) و گزینش حکمرانی در آنجا را نیز می‌توان نتیجه روی دادن این سلسله عوامل در عهد امرای آلبوناصر دانست. امری که موجب عطف امرای آلبوکاسب به توسعه قلمرو خود در نواحی دیگر شد و آنها را وارد معادلات سیاسی و نظامی جدیدی در ارتباط با دول اروپایی بخصوص دولت انگلیس کرد.

### فعالیت‌های کشاورزی و تجاری بنی کعب

منطقه خوزستان با داشتن انواع محصولات کشاورزی، نخلستان و آب فراوان، ظرفیت گسترده‌ای برای توسعه محصولات کشاورزی و صادرات آنها به سایر نقاط دارد. از مهمترین محصولات تجاری و صادراتی این منطقه میان سال‌های ۱۸۹۰م. تا ۱۹۱۴م. می‌توان به گندم، جو، برنج، خرما و محصولی چون پشم اشاره کرد. بدین ترتیب ارزش لیره استرلینگ کالاها و صادراتی خوزستان شش برابر افزایش یافت. افزایش تجاری محصولات کشاورزی متأثر از زمینه عرضه و تقاضا بود و خوزستان به دلیل داشتن بسترهای مهم در زمینه آب و خاک مناسب و شرایط و توانمندی خوبی که در محصولات کشاورزی داشت، در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری به عنوان قطب تجاری و اقتصادی ایران شناخته شد؛ چرا که حجم بیشتر محصولات کشاورزی این منطقه صادراتی بود (یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۸۸؛ انصاری، ۱۳۷۷: ۱۴۷؛ سعیدی‌نیا، ۱۳۹۲: ۸۸). در کتاب «ده سفرنامه» از قول کروسینسکی آمده است که: «در فوریه ۱۸۱۰م. از زمین‌های کشاورزی خوزستان دیدن کردم. این زمین‌ها یکی از حاصلخیزترین و پربارترین زمین‌های کشاورزی بودند» (امیری، ۱۳۶۹: ۳۲۷).

در این باره کاظم پورکاظم در کتاب «جغرافیای تاریخی خوزستان» می‌نویسد:

«این اراضی دارای استعداد طبیعی بوده و برای کشاورزی بسیار حاصلخیز و مستعد است، تا جایی که با اندک توجهی به آن می‌توان سالی دو بار از آن، محصول به دست آورد. بر طبق نظر آگاهان اگر از اراضی قابل کشت خوزستان بهره‌برداری صحیح به عمل آید، می‌توانند غذای قریب نصف جمعیت کشور را تأمین کنند» (پورکاظم، ۱۳۸۳: ۷۰).

می دادند. محصولات عمده درختان که سرمایه ارزشمندی را برای آنان فراهم کرده بود، شامل توت، نیشکر، گندم و جو، برنج، پشم، کنجد، باقلا، ذرت، کتان، لفل همچنین انواع سبزیجات مانند کاهو، گوجه فرنگی، خیار، لوبیا، سیر و پیاز و انواع میوه مانند انار، انجیر، انگور، لیمو، پرتقال، سیب، خربزه و ... می شد (سعیدی‌نیا، ۱۳۹۲: ۹۲؛ کریم اللامی، ۱۹۸۵: ۶۱). در این خصوص عبدالنبی قیّم در کتاب فراز و فرود شیخ خزعل می نویسد:

«عمده محصول مناطق جنوبی، خرما بود که به دلیل وجود نخلستان‌های وسیع بر حاشیه رودهای شط العرب (اروندرو) و بهمینشیر و همچنین استفاده از جزر و مد دریا و وجود شبکه‌های آبیاری سنتی بر ساحل رودهای مزبور، کاشت خرما و برداشت محصول خرما، با نیروی کار کمتر، امکان پذیر بود. همچنین نخلستان‌های فلاحیه (شادگان) بر ساحل رود جراحی و نخلستان‌های ساحل راست و چپ کارون از محمره (خرمشهر) تا اهواز از منابع اصلی تولید خرما بودند. علاوه بر این در مناطق مزبور صرف نظر از خرما که محصول اصلی محسوب می شد، کشت غلات، گوجه فرنگی، خیار و میوه مثل سیب، هندوانه، خربزه و انگور نیز انجام می گرفت. گندم محصول دیگر خوزستان بود که تقریباً در تمامی مناطق به جز عبادان (آبادان) و محمره (خرمشهر) کشت می شد. شیوه آبیاری گندم دیم بود، که مازاد آن از طریق بندر محمره (خرمشهر) به خارج از خوزستان صادر می شد. جو نیز عمدتاً در سواحل غربی و شرقی کارون به صورت دیم کشت می شد. برنج از دیگر محصولات استان بود که از حیث میزان تولید پس از گندم و جو در مرتبه پایین تری قرار داشت، استان خوزستان از نظر کشت برنج از قدیم‌الایام معروف بوده است. از این رو برنج عمدتاً در اطراف بستان و حمیدیه و دشت رامهرمز کشت می شد. علاوه بر این در حد فاصل محمره (خرمشهر) تا عبادان (آبادان) کشت چغندر رواج داشت. شیخ خزعل به منظور رشد کشاورزی، عده‌ای از کشاورزان مصری را به همراه بذر پنبه مصری به خوزستان فراخواند تا آنجا به کشت پنبه اشتغال ورزند. علاوه بر این در یکی از منابع آمده است که برای اولین بار تخم گونه‌ای پنبه مصری در خوزستان مورد آزمایش قرار گرفت و پس از به نتیجه رسیدن آزمایش کشت آن، کشاورزان کشت آن را آغاز کردند. از این رو پنبه یکی از اقلام صادراتی شهر شوشتر در سال ۱۹۱۳ م. بود» (قیّم، ۱۳۹۲: ۳۲۰).

بنی کعب فراهم کرده بودند، کشاورزان می توانستند با خاطری آسوده زمین‌هایشان را کشت و از محصولات به دست آمده کسب سود کنند. به علاوه، در صورت وجود خطر راهزنان و سرقت، شهرها ناامن شده و قطعاً به وضعیت اقتصادی بنی کعب لطمه وارد می کرد. به این صورت که حتی اگر به زمین‌هایشان تعدی نمی شد، در بین راه‌ها و مسافت‌هایی که محصولات و کالاهای کشاورزی فرستاده می شد، غارت آنها توسط راهزنان و خلافکاران بعید نبود (کرزن، ۱۳۸۰: ۳۹۸؛ امیری، ۱۳۶۹: ۳۲۴؛ کریم اللامی، ۱۹۸۵: ۶۱-۶۲).

### اقدامات اصلاحی بنی کعب در تأمین معیشت و برقراری امنیت

دودمان آل‌بوناصر از بنی کعب در شهر قبان و به واسطه توسعه متصرفات خود تا خلیج فارس و اروندرود، به اقدامات اصلاحی در جهت تأمین معیشت و برقراری امنیت دست زدند. از جمله اینکه عدالت را در شهرها مستقر، طرح‌های عمرانی را تنظیم، سدها را مستحکم و قنات‌ها را حفر کردند. آنها شهرها را آباد کرده و با زراعت به اصلاح زمین مشغول شدند تا جایی که امنیت در همه جا برقرار و ساکنان، اطمینان خاطر یافتند و سرقت و راهزنی در روزگارشان هم چون قصه پرند ققنوس شد که آن را شنیده ولی ندیده‌ایم (مانع، ۲۰۰۸: ۲۴۱). با این وجود، در خوزستان به خصوص قسمت‌های جلگه‌ای آن برای شغل زراعت بسیار مناسب بود و در عهد بنی کعب مانند شیخ برکات، شیخ سلمان، شیخ مزعل و شیخ خرعل، رونق محصولات و صادرات آنها به کشورهای همسایه، نشان از کارآمدی حاکمیت بنی کعب در استفاده از ظرفیت‌های محیطی دارد؛ در بخش شادگان و خرمشهر محصولات عمده‌ای چون خرما، گندم، جو، برنج و یونجه کاشت می شد ولی محصول اصلی خرما بود که دلیل مرغوبیت خرما آن علاوه بر مساعد بودن شرایط منطقه برای کشاورزی، وجود کانال‌ها و شبکه وسیع آبیاری بوده است. حاکمان بنی کعب مانند شیخ سلمان و شیخ خزعل به ساختن سد و کندن قنات و احیای اراضی موات توجه شگرفی نشان

او با الوارهای وارد شده از بمبئی هند پوشیده می‌شد (انصاری، ۱۳۷۷: ۳۳). به‌علاوه از محصولات به‌دست آمده از دام خود نیز بهره‌برداری می‌کردند؛ پشم گوسفندان را پس از چیدن به نخ تبدیل می‌کردند که این پشم مواد اولیه برای تهیه پارچه خشن بود و به دو روش مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ یکی در عرض دیواره چادرها و دیگری به منظور دوختن پوشاک. همچنین تجارت صادرات پشم در برخی از مناطق چون ماهشهر رونق داشت. از شیر فرآورده‌هایی مانند پنیر، کره و ماست کیسه تهیه می‌شد. از این ماده غذایی برای تهیه روغن استفاده می‌شد که مازاد آن جنبه صادراتی داشت. از طریق فروش پشم و روغن، کالاهای بسیاری که تهیه آنها به آسانی میسر نبود همانند چای، پارچه، ادویه و اسلحه گرم تهیه می‌شد (همان: ۳۶). ساکنان در بریدگی‌های طبیعی (خور) و مصنوعی (گودی) به ساختن و تعمیر کشتی‌ها و قایق چوبی همچنین صنایع دستی مثل حصیربافی، سبدبافی و جاروبافی مشغول بودند (سیادت، ۱۳۷۴: ۳۲۳). از دیگر صنایع دستی سواحل خوزستان می‌توان به بافندگی پارچه دیبا اشاره کرد که جهت پوشاندن بیت‌الله الحرام از آن استفاده می‌شد. در شوشتر کاشت درخت توت و پرورش کرم ابریشم، صنعت بافندگی و فرش‌بافی، تهیه عصاره میوه‌جات و ساخت ظروف و جواهرات شهرت بسیار داشت.

در قرن (۱۷ م. / ۱۲ ه.ق) گسترش صنایع دستی چون ریسندگی حصیرهای خانگی، ساخت ظروف، قایق‌های چوبی و سفالگری در این منطقه و مناطق دیگر سواحل خوزستان رواج بسیار داشت. ثروت‌های معدنی مثل مس، قیر و نفت به پیشرفت اقتصادی منطقه کمک بسیاری کرد که اکتشاف نفت از اوایل قرن (۲۰ م. / ۱۵ ه.ق)، جایگاه این خطه را در خاورمیانه در رتبه نخست قرار داد (کریم‌اللامی، ۱۹۸۵: ۶۲-۶۳). طبیعی بود که ساخت و مبادله صنایع دستی در انحصار بنی‌کعب نبود و با توجه به روابط تجاری که میان بنی‌کعب و حکومت‌های محلی وقت وجود داشت، کالاهای دستی گوناگونی از جانب دو طرف مبادله می‌شد.

با گشایش راه کارون، تجارت خارجی و داخلی افزایش بیشتری پیدا کرد و این امر باعث گسترش محصولات کشاورزی مانند گندم و جو شد. یکی از زمین‌های حاصلخیز و پربرکت این منطقه در اطراف شهر شوشتر قرار داشت. در حقیقت بخش اصلی اقتصاد مردم خوزستان کشاورزی بود که در کنار آن به کار دامپروری هم مشغول بودند. شیخ خزعل به اقتصاد و تجارت و نیز برقراری امنیت بازرگانان و سپس راه‌های اقتصادی و افزایش حجم صادرات توجه شایانی داشت. او در جهت حل و فصل آنها شخصاً به مشکلات تجار رسیدگی و تلاش بسیار می‌کرد. به همین دلیل افزایش قابل توجهی در کاشت و صدور غلات به وجود آمد. از سال ۱۹۱۳ م. علاوه بر محصولات خرما و غلات، محصولات کشاورزی دیگری نیز از مناطق مهم خوزستان صادر می‌شد. این محصولات شامل تولید و کشت برنج از هویزه، پنبه از شوشتر و پشم از رامهرمز بود که برای صادرات پیش فروش می‌شدند. قراردادهای طولانی مدت تعیین‌کننده عرضه غلات، تقاضای صادرات خارجی و قیمت بازار در بصره و لندن بود. برای عرضه غلات به موقع، تجار اروپایی می‌بایست قیمت پیش‌خرید محصولات کشاورزی را در برابر حمل آن می‌پرداختند (لایارد، ۱۳۷۱: ۸۹؛ انصاری، ۱۳۷۷: ۱۶۰؛ قیم، ۱۳۹۲: ۳۲۳). در حقیقت صادرات محصولات کشاورزی در سال ۱۹۱۱ م. به صورت چشمگیری افزایش یافت؛ صدور غلات دو برابر صادرات آن در سال‌های ۱۸۹۱ م. تا ۱۹۰۱ م. بود. افزایش صادرات محصولات کشاورزی گویای آن است که بیشتر زمین‌های کشاورزی خوزستان به زیر کشت درآمده بود.

### صنایع دستی در دوره بنی‌کعب

عشیره انصار از طایفه بنی‌کعب از محیط پیرامون در بکار بستن منافع مورد نیاز زندگی خود به نحو شایسته استفاده می‌کرد؛ اتاق‌های خانه آنها از خشت و سقف آنها از الوار تهیه می‌شد که از تنه درخت خرما می‌ساختند و نوع و طریقه تهیه آنها در بین کشاورزان و اعیان بنی‌کعب فرق می‌کرد؛ به این صورت که سقف منازل کشاورزان از الوار تنه درخت خرما بود ولی سقف منازل خویشان شیخ و وابستگان

شیخ‌نشین‌های کویت و بحرین و همچنین کشورهای ترکیه، مصر، آمریکا و هنگ‌کنگ بود (سعیدی‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۰۰-۲۱۷).

### پرورش نخل و صادرات محصول آن

بخش عظیمی از ثروت به‌دست آمده برای بنی‌کعب به‌خصوص در عهد شیخ خزعل، به امر پرورش نخل و توجه به صادرات محصول آن اختصاص داشت. اسناد تاریخی نیز گویای این حقیقت است که فواید حکومت محلی کارون، هویزه و شادگان، سالیانه ۲۰۰۰۰۰۰ تومان از نخلستان‌های خرمشهر و جزیره الخضر آبادان بود. همچنین نخلستان و مستغلات فراوانی از سوی پدر و برادر شیخ مزعل، معز السلطنه، در خاک عثمانی عاید او شده بود (قیم، ۱۳۹۲: ۳۶). موسی سیادت نویسنده کتاب «تاریخ جغرافیایی عرب خوزستان» در این باره می‌نویسد:

«مراکز خرما در سال ۱۳۲۰ در مناطق، خرمشهر، منیوحی، حوزه بهمنشیر، خزعل‌آباد (خسروآباد)، جزیره صلبوخ (جزیره مینو) و فلاحیه (شادگان) حدود سه میلیون نخل داشت و چنانچه حاصل هر درخت ۴۵ کیلوگرم باشد، در حدود ۱۶۲ هزار تن تولید داشته و هر ساله بطور متوسط از منطقه ۳۵ تا ۳۶ میلیون کیلوگرم خرما صادر می‌شد» (سیادت، ۱۳۷۴: ۳۲۰).

در خصوص جنبه تجاری و صادراتی محصول خرما<sup>۱</sup> در عهد بنی‌کعب، این محصول در سواحل خوزستان، شامل محدودیت صادرات نمی‌شد، به‌دلیل اینکه شمار متقاضیان خرید این محصول فراوان بودند (انصاری، ۱۳۷۷: ۱۶۲؛ سعیدی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۸۷). کشورهای که در حاشیه خلیج فارس و دریای عمان واقع شده بودند مانند امارات، کویت، قطر، عمان، عربستان و دیگر جزایر در خلیج فارس مشتری این محصول و دیگر محصولات کشاورزی سواحل خوزستان بودند (میریان، ۱۳۵۲: ۳۴۳). در عهد شیخ خزعل بخش عمده تجارت خارجی از طریق بندر خرمشهر انجام می‌پذیرفت که

۱. در همین زمینه، جهانگردانی چون شاردن و تاورنیه که در عهد صفویه به ایران آمده بودند از محصول خرما در خوزستان به عنوان محصول عمده تولید و کالای صادراتی کشاورزی تعریف کرده‌اند (شاردن، ۱۳۵۰: ۱۳-۱۴؛ تاورنیه، ۱۳۶۳: ۶۰۲).

### صادرات محصول کشاورزی و تجارت بنی‌کعب با کشورهای حوضه خلیج فارس و اروپایی

موقعیت اروندرود و احداث گمرک بزرگ و فعال در بندر خرمشهر به توسعه مبادلات تجاری به خارج در عهد حاج جابر و از طریق کانال عضدی منجر شد که پس از آن در عهد شیخ مزعل و شیخ خزعل، فرزندان حاج جابر، رونق بیشتری یافت (میریان، ۱۳۵۲: ۴۰۴-۴۰۵). بندر محمره (خرمشهر) در رأس رود بزرگ کارون که از کوه‌های کردستان سرچشمه می‌گرفت و خوزستان را به خلیج فارس متصل می‌کرد واقع بود. در حقیقت بندر محمره (خرمشهر) به عنوان مرکز بزرگ بازرگانی خارجی و کشتیرانی خوزستان به شمار می‌رفت که عمده محصولات کشاورزی از جمله گندم و جو از طریق این بندر به کشور عراق و شهرهای بصره، بغداد و العماره و همچنین به کشور کویت و عربستان صادر می‌شد. در این بندر یک تجارتخانه فرانسوی برای خرید محصولات کشاورزی مانند غله و حبوبات تأسیس شده بود. از جمله محصولات صادراتی بنی‌کعب اقلامی همچون پشم، خرما، روغن، گندم، پنبه، حنا، مواد خام رنگ‌کاری، حصیر و فرش، شکر، چای، اقلام معدنی، ابزارهای چوبی، ادویه جات و ... بود. در زمان شیخ خزعل محصولات کشاورزی و تجاری خوزستان مانند خرما، حبوبات، روغن و پشم از بندر محمره (خرمشهر) به اروپا، هند و آمریکا صادر می‌شد. مهم‌ترین محصول صادراتی که با مقادیر بسیار زیاد از بندر خرمشهر صادر می‌شد خرما بود. غیر از بندر محمره (خرمشهر) در دو بندر دیگر یعنی بندر معشور (ماهشهر) و بندر بوزی فلاحیه (شادگان) مبادلات بازرگانی صورت می‌گرفت. صادرات تجاری این دو بندر با شهر بمبئی هندوستان بود. محصولات کشاورزی خوزستان شامل گندم، جو، برنج، خرما و پشم، صادرات اصلی و عمده این استان بود (انصاری، ۱۳۷۷: ۴۹؛ قیمت، ۱۳۹۲: ۳۲۵؛ کریم‌اللامی، ۱۹۸۵: ۶۴). فعالیت بین‌المللی تجاری بنادر کارون همچون بندر خرمشهر و شادگان با دولت‌های اروپایی چون انگلستان، فرانسه، روسیه، آلمان، استرالیا، هلند، هندوستان، کشورهای حوضه خلیج فارس همچون



بنی کعب پس از مهاجرت به سواحل خوزستان به آباد کردن اراضی آن همت کردند و کانال‌هایی را از رود کارون منشعب کرده و به سرزمین‌های خود متصل کردند. به علاوه، سدی بر روی رود کارون ساختند که باعث شد آب کافی به نهر همیلی (نام گذشته نهر خین) و کانال‌های دیگر وارد شود (انصاری، ۱۳۷۷: ۵۰؛ صداوی، ۱۳۷۹: ۱۶). سپس به کار زراعت بر روی زمین پرداختند و از جمله محصولات آن توجیه بسیار داشتند، خرما بود تا آنجا که در خانه‌های بعضی از کعبیان باغ‌های درخت خرما تدارک دیده شده است (حلو، ۱۹۷۰: ۱۷). این درختان، پیرامون مسکن مالکان نخلستان را احاطه کرده و آبیاری آنها حاصل جزر و مد آب رودخانه و انشعاب انهار به داخل نخلستان بوده است (میریان، ۱۳۵۲: ۳۴۹). در واقع، به غیر از شعبه نهری که در مصارف صنعتی مصروف می‌شد و ۱۰ مایل بالاتر از خرمشهر به کارون سرازیر می‌شد، بقیه آب به آبیاری زمین‌های کشاورزی اختصاص داده می‌شد. نخلستان‌های خرما در آن موقع آن چنان انبوه بود که گفته می‌شد شهر شادگان قابل رویت نبود (فلور، ۱۳۹۲: ۱۲۴). در حقیقت، اقتصاد مبتنی بر محصول خرما سرمایه اصلی دست‌یابی بنی کعب به ثروت را فراهم کرده بود که اکثر صادرات با کشورهای حاشیه خلیج فارس به این محصول اختصاص داشت. به نظر می‌رسد اقتصاد کشاورزی با محور محصول خرما و نه بدون آن را می‌توان وجهه بارز وضع اقتصادی بنی کعب تعریف کرد (جدول ۱).

خرما از مهم‌ترین محصولات صادراتی به شمار می‌آمد (قیم، ۱۳۹۲: ۳۲۴). در سال ۱۸۹۰م، ۵۳۴۷ تن خرما به ارزش ۲۷۵۷۵ لیره استرلینگ از طریق بندر محمره (خرمشهر) صادر شد (جدول ۱). همچنین در گزارش‌های تاریخی آمده است، تجارت خارجی در دوره قاجار همراه با صادرات محصولات کشاورزی چون خرما بود. به گونه‌ای که تجارت محصول خرما در خوزستان با قاره‌های اروپا و آمریکا و شبه‌قاره هند انجام می‌گرفت (سرافرازی، ۱۳۹۳: ۳۰۲). از این رو شیخ خزعل می‌بایست سالیانه چهل هزار تومان به عنوان مالیات به دولت پردازد. کسروی در خصوص نحوه اخذ مالیات شیخ خزعل چنین آورده است:

«چنانکه در خوزستان مشهور است از مردم پنج و شش برابر آن را درمی‌یافته، آن همه نخلستان که در خوزستان است شیخ از بخش عمده آنها که ملک خود اوست دو پنجم به نام مالیات و یک پنجم به نام حق مالکی می‌گرفت و از دیگر نخلستان‌ها تنها دو پنجم مالیات را می‌گرفت. کسانی که در کارهای شیخ دست داشته نیک می‌دانند که سالانه از این رهگذر چه پول‌هایی به دست او می‌آمد گفته‌اند در پاره سال‌ها از فروش خرما صد هزار لیره انگلیسی یا بیشتر سود می‌برد خود شیخ روزی که من نیز در نزد او بودم از انبوهی حاصل خرما سخنی به میان آورده می‌گفت: در هندوستان مرا ملک التمر می‌نامند» (کسروی، ۱۳۸۴: ۲۶۲).

این امر بیش از همه به کوشش بنی کعب به مسئله عمران و آبادانی زمین و امرار معاش از طریق آن تعلق دارد، چرا که

جدول ۱. گزارش‌های سالیانه آمار صادرات خرما (۱۸۹۰-۱۹۱۲م).

سال	قیمت	مقدار: تن	ارزش: لیره
۹۱/۱۸۹۰	ناچیز	۵,۳۴۷	۲۷,۷۵۷
۹۲/۱۸۹۱	ناچیز	۱,۱۳۰	۴,۴۷۹
۹۳/۱۸۹۲	هر ۱۶۰ پوند ۵ لیره	۱,۲۱۷	۴,۹۷۳
۹۴/۱۸۹۳	هر ۱۶۰ پوند ۳/۶ تا ۵ لیره	۲,۶۴۲	۸,۱۲۰
۹۵/۱۸۹۴	هر ۱۶۰ پوند ۲ لیره	۲,۱۹۴,۵	۳,۰۸۵
۹۶/۱۸۹۵	هر ۱۶۰ پوند ۳/۹ لیره	۱,۴۹۲	۴,۲۶۵
۹۷/۱۸۹۶	هر ۱۶۰ پوند ۵/۱۰ تا ۷/۱۰ لیره	۲۵۳	۱,۹۶۸
۹۸/۱۸۹۷	هر هندرویت ۴/۳ روپیه	۱,۴۵۳	۶,۵۶۲

سال	قیمت	مقدار: تن	ارزش: لیره
۹۹/۱۸۹۸	هر هندردویت ۵ تا ۳-۹ روپیه	۱۰,۰۲۹,۰۲	۷,۰۷۶۷
۱۹۰۰/۱۸۹۹	هر ۱۵۴ پوند ۷ تا ۱۲ قران	۲,۴۷۹	۳,۳۳۸
۱۹۰۱/۱۹۰۰	هر ۱۶۸ پوند ۵/۸ لیره	۲,۵۸۳,۰۸	۱۳,۰۱۵۷
۱۹۰۲/۱۹۰۱	هر ۱۶۸ پوند ۳,۱۰ تا ۶,۳ لیره	۳,۶۹۱	۱۸,۰۱۷۹
۱۹۰۳/۱۹۰۲	هر ۱۶۸ پوند ۴ تا ۶/۴ لیره	۴,۶۷۴,۰۵	۱۶,۴۴۱
۱۹۰۴/۱۹۰۳	ناچیز	۱,۹۵۲,۰۴	ناچیز
۱۹۰۵/۱۹۰۴	هر ۱۶۸ پوند ۴,۰۰ لیره	۲,۲۵۴,۰۲	ناچیز
۱۹۰۶/۱۹۰۵	هر ۱۶۸ پوند ۴,۰۰ لیره	۲,۳۶۳,۰۲	۱۲,۳۰۹
۱۹۰۷/۱۹۰۶	هر ۱۶۸ پوند ۵/۴ تا ۱۰/۸ لیره	۱,۶۳۲,۰۷	۷,۰۱۱۷
۱۹۰۸/۱۹۰۷	هر ۱۶۸ پوند ۵/۴ نت ۱۰/۸ لیره	۱,۸۰۱,۰۳	۸,۰۳۸۱
۱۹۰۹/۱۹۰۸	هر ۱۶۸ پوند ۸/۶ لیره	۴,۳۴۶,۰۲	۲۵,۰۰۲۴
۱۹۱۰/۱۹۰۹	ناچیز	۳,۹۱۹,۰۵	۲۱,۰۰۰
۱۹۱۱/۱۹۱۰	ناچیز	۳,۵۰۷,۰۸	۲۱,۴۲۱
۱۹۱۲/۱۹۱۱	ناچیز	۶,۳۰۳	۲۶,۰۹۷
۱۹۱۳/۱۹۱۲	ناچیز	۳,۱۷۷	۱۴,۹۶۸

منبع: (انصاری، ۱۳۷۷: ۱۶۵)

## تجارت اسب

از جمله منابع مهم ثروت بنی کعب، پرورش دام و اسب بود که به دلیل علاقه شیوخ بنی کعب همچون شیخ مزعل به پرورش اسب، سود بسیاری را عاید آنها می‌کرد و عمده صادرات آن به هندوستان بود. به علاوه اسب‌های صادراتی از طریق بندر خرمشهر به بصره و ترکیه نیز فرستاده می‌شدند که دلیل آن، پایین بودن حقوق گمرکی در بندر خرمشهر در مقایسه با ترکیه بود (کریم‌اللامی، ۱۹۷۰: ۶۱؛ سعیدی‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۱۴-۲۱۵). در اطراف شادگان نیز، پرورش اسب رایج بود (فلور، ۱۳۹۲: ۱۲۲). وجود چراگاه‌های سرسبز در کنار کشت محصولات کشاورزی، ضرورت پرداختن به ایجاد اصطبل برای رمه‌های بز و گوسفند و بخصوص پرورش اسب که تجارت پرسودی را برای بنی کعب به همراه داشت پراهمیت جلوه داده بود.

از اوایل (قرن نوزدهم میلادی / چهاردهم هجری)، صادرات اسب از سواحل خوزستان برای تأمین سواره نظام نیروهای انگلیسی هند به کار گرفته شد. به این صورت که

از دیگر محصولات تجاری بنی کعب تجارت اسب در عهد شیخ مزعل و شیخ خزعل با هندوستان بود. تجارت اسب، مهمترین فعالیت اقتصادی و تجاری شیخ مزعل و شیخ خزعل در منطقه، به تجار بمبئی هندوستان بود که هر ساله از بمبئی به سواحل خوزستان می‌آمدند و نزدیک به ۱۰۰۰ اسب از منطقه خریداری و از طریق بندر خرمشهر با کشتی به هندوستان منتقل می‌کردند که از این جهت، یکی از دلایل ثروتمند دانستن شیخ مزعل، به تجارت اسب منسوب می‌شد (افشار سیستانی، ۱۳۶۹: ۹۷). شیخ مزعل با گذشت پنجاه سال از عمر خود، اما هنوز چهره‌ای قابل احترام و هیکلی متناسب داشت. وی یکی از رؤسای مقتدر قبایل بنی کعب بود که کشتی‌های تجاری زیادی داشت که محصولات تجاری او را به هندوستان حمل و نقل می‌کردند. شیخ مزعل علاقه زیادی به اسب اصیل داشت، به همین دلیل او از طریق تجارت اسب با بازرگانان بمبئی هندوستان بسیار ثروتمند شد و از این طریق ثروت زیادی بدست آورد (کرزن، ۱۳۸۰: ۳۹۷-۳۹۸). همان‌طور که گفته شد

سواحل خوزستان بود که باعث جلب توجه دول اروپایی شد و در مدت کوتاهی وضعیت اقتصادی خوزستان را به کلی ارتقا داد (انصاری، ۱۳۷۷: ۵۰-۱۱۵؛ عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۶۱).

### نتیجه‌گیری

همانطور که پیشتر گفته شد پس از مرگ نادرشاه، بنی‌کعب به سرپرستی شیخ سلمان از قبایب به سواحل خوزستان مهاجرت کردند. بنی‌کعب از عشایر معروف در خوزستان بودند که در طول محدوده جغرافیایی سواحل خوزستان به فعالیت‌های اقتصادی، آبادانی، رونق صنایع دستی و همچنین به کشت انواع محصولات کشاورزی به ویژه نخل‌پروری و توسعه نخلستان در این سواحل پرداختند. به همین دلیل بنی‌کعب با تسلط بر رودخانه کارون و ساکن شدن در سواحل آن به فعالیت‌های کشاورزی، اقتصادی و تجاری مشغول شدند و درآمد بسیاری از فروش انواع محصولات کشاورزی نظیر گندم، جو، برنج، خرما و محصولی چون پشم که از محصولات مهم تجاری و صادراتی بود، کسب کردند. پیش از آزادی کشتیرانی در کارون تجارت خارجی از راه عراق عثمانی انجام می‌گرفت اما پس از گشایش راه کشتیرانی رود کارون مبادلات تجاری با کشورهای حاشیه خلیج فارس و همچنین کشورهای اروپایی توسعه پیدا کرد و اقتصاد و تجارت خارجی رونق فراوان یافت. از این‌رو، گشایش راه کشتیرانی رود کارون، تأثیر فراوانی در وضعیت اقتصادی مردم خوزستان به‌جا گذاشت. قراردادهای تجاری کشورهای اروپایی برای پیش خرید محصولات کشاورزی و تجاری در سواحل خوزستان به صورت چشمگیری افزایش یافت. در حقیقت صادرات محصولات کشاورزی و تجاری از طریق بنادر خوزستان به ویژه بندر خرمشهر به‌عنوان بزرگترین بندر خوزستان- صورت می‌گرفت. از شاخص‌ترین محصولات صادراتی بندر خرمشهر خرما و اسب بود که به کشورهای حاشیه خلیج فارس و همچنین هندوستان صادر می‌شد. بدین ترتیب افزایش سرعت مبادلات تجاری در سواحل خوزستان، این نتیجه را در پی داشت که در دوره بنی‌کعب صادرات انواع محصولات

اسب‌ها در ناحیه بختیاری پرورش داده می‌شدند. بدین‌سان، سرزمین بختیاری به خاطر پرورش اسب و استر معروف بود که قریب به صدها رأس از آنها را برای صادرات به بمبئی هندوستان، به ساحل می‌آوردند و از طریق رود کارون با ناوگان شیخ مزعل به منظور فروش به خرمشهر فرستاده می‌شد و از طریق بزرگترین بندر کشتیرانی محمره (خرمشهر) که در واقع مرکز بزرگ توزیع در خوزستان به شمار می‌رفت به هندوستان صادر می‌شد. از مهمترین صادرات این بندر خرما و اسب و قاطر بود که به مقدار فراوان صادر می‌شد. بخش دیگر هم از طریق خاک عثمانی (ترکیه) به هندوستان صادر می‌گردید (عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۶۷؛ انصاری، ۱۳۷۷: ۵۰) که در هر صورت نشان می‌دهد پرورش اسب بیشتر به خاطر جنبه تجاری آن در نزد بنی‌کعب انجام می‌شد.

همچنان که بیان شد شیخ مزعل به اسب اصیل علاقه زیادی داشت؛ به همین دلیل پرورش اسب در زمان وی بیش از برادرش شیخ خزعل مورد توجه قرار گرفت تا آنجا که در تجهیز نیروهای انگلیسی هند نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت. با این توصیف، پس از گشایش راه کشتیرانی در رود کارون، خوزستان را در ارتباط مستقیم بازرگانی با هندوستان و اروپا قرار داد. این امر تغییر بسیاری در راه‌های تجاری به وجود آورد که یکی از نتایج آن افزایش عملیات بازرگانی و تجاری بود. گشایش کشتیرانی در کارون، تأثیر چشمگیری در وضعیت اقتصادی مردم این منطقه به‌جا گذاشت. مبادلات تجاری بنی‌کعب بخصوص در عهد شیخ مزعل و شیخ خزعل بر مبنای حاکمیت بر مناطق واگذار شده از سوی دولت مرکزی به آنها و تجارت با محصولات زراعی و توسعه حجم تجارت بین‌المللی همراه بود. امری که موقعیت بین‌المللی آبراه اروندرود، توجه دولت‌های اروپایی و کشورهای حوضه خلیج فارس به لزوم مبادله تجاری با شیوخ بنی‌کعب را تسهیل کرد. حجم فعالیت‌ها و محصولات صادراتی که در سواحل خوزستان در عهد بنی‌کعب به آنها پرداخته شد، نشانگر وجود محصولات کشاورزی فراوان و موقعیت جغرافیایی مناسب

انتشارات امیرکبیر.

- صداوی، علیرضا. (۱۳۷۹). تاریخ بنی کعب و ماجرای شیخ خزعل. تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی آفرینه.

- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۲). تاریخ اقتصادی ایران. ترجمه یعقوب آژند. تهران: نشر گستره.

- فلور، ویلم. (۱۳۹۰). بنوکعب عشایر مرزنشین در جنوب خوزستان. ترجمه مصطفی نامداری منفرد. تهران: نشر شادگان.

- قیم، عبدالنبی. (۱۳۹۲). فراز و فرود شیخ خزعل. انتشارات کتاب آمه.

- کرزن، جورج ناتانیل. (۱۳۸۰). ایران و قضیه ایران. ترجمه علی وحید مازندرانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- کریم‌اللامی، عبدالرحمان. (۱۹۷۰ م). الادب العربی فی الاحواز: من مطلع القرن الحادی عشر الهجری الی منتصف القرن الرابع عشر. بغداد: الجمهورية العراقية، منشورات وزارة الثقافة و الاعلام، دارالحرية.

- کسروی، احمد. (۱۳۸۴). تاریخ پانصد ساله خوزستان. تهران: انتشارات گوتنبرگ.

- لاریمر، جان گوردون. (۱۳۹۰). تاریخ خوزستان ۱۶۰۴ - ۱۹۰۵. ترجمه محمد جواهرکلام. تهران: کویر.

- لایارد، سراستن هنری. (۱۳۷۱). سیری در قلمرو بختیاری و عشایر بومی خوزستان. ترجمه مهرباب امیری. تهران: انتشارات پدیده.

- لسترنج، گای. (۱۳۸۶). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- مانع، جابر جلیل. (۲۰۰۸ م). الاحواز؛ قبائلها أنسابها أمراؤها شیوخها أعلامة. بیروت: الدار العربية، للموسوعات.

- میریان، عباس. (۱۳۵۲). جغرافیای تاریخی خوزستان. تهران: انتشارات موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

- نورس، موسی کاظم؛ رؤوف، عماد عبدالسلام. (۱۹۸۲ م). اماره کعب العربی فی القرن الثامن عشر علی ضوء الوثائق البريطانیا. بغداد: دار الرشید للنشر.

- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله. (۱۳۸۰). معجم البلدان. ترجمه علی نقی منزوی. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.

- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله. (۱۳۹۷ ه.ق). معجم البلدان. ج اول. بیروت: انتشارات دار صادر.

کشاورزی و صنایع دستی با توجه به تسلط و نفوذ آنان در رود کارون و حوضه خلیج فارس از طریق بنادر سواحل خوزستان به کشورهای عربی، هند، قاره اروپا و آمریکا بیش از پیش توسعه و گسترش یافت.

## منابع

- ابن حوقل، محمد بن حوقل. (۱۳۶۶). سفرنامه ابن حوقل. ترجمه جعفر شعار. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.

- اصطخری، ابراهیم بن محمد. (۱۳۴۰). مسالک و ممالک. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- افشارسیستانی، ایرج. (۱۳۶۹). نگاهی به خوزستان. تهران: انتشارات نشر بلور.

- امام شوشتری، محمدعلی. (۱۳۳۱). تاریخ جغرافیایی خوزستان. تهران: امیرکبیر.

- امیری، مهرباب. (۱۳۶۹). ده سفرنامه، یا، سیری در سفرنامه‌های جهانگردان خارجی راجع به ایران. تهران: وحید.

- انصاری، مصطفی. (۱۳۷۷). تاریخ خوزستان، چ ۳. تهران: نشر شادگان.

- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ. (۱۳۰۸). جغرافیای تاریخی ایران. ترجمه حمزه سردادور. تهران: انتشارات اتحادیه تهران.

- بوعدار، ناصر و همکاران. (۱۳۹۹). «صادرات خرمای خوزستان به کشورهای حاشیه خلیج فارس در دوره بنی کعب». فصلنامه مطالعات خلیج فارس. شماره ۲۰. صص ۳۵-۴۲.

- پورکاظم، کاظم. (۱۳۸۳). جغرافیای تاریخی خوزستان. تهران: انتشارات آیات.

- تاورنیه، ژان باتیست. (۱۳۶۳). سفرنامه تاورنیه. ترجمه ابوتراب نوری. چ ۳. تهران: انتشارات سنایی.

- حلو، علی نعمه. (۱۹۷۰ م). المحمرة مدینة و امارة عربیة. بغداد: وزارة الاعلام، مديرية الاعلام العامة، دائرة شؤون العربی.

- سرفرازی، عباس. (۱۳۹۳). نقش طایفه شیعه بنی کعب در رویدادهای خلیج فارس. نشر جهاد دانشگاهی واحد صنعتی امیرکبیر.

- سعیدی‌نیا، حبیب‌الله. (۱۳۹۲). کشتیرانی کارون و تحولات سیاسی، اقتصادی خلیج فارس. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- سیادت، موسی. (۱۳۷۴). تاریخ جغرافیایی خوزستان. تهران: مؤسسه چاپ و نشر آژان.

- شاردن، ژان. (۱۳۵۰). سیاحت‌نامه شاردن. چ ۲. تهران: